

گفتگو

فصلنامه فرهنگی - اجتماعی «گفتگو»
زمستان ۹۷، سال اول، شماره دوم
مرکز آموزش عالی شهید رجایی اصفهان

در این شماره می خوانیم:

*قدم زمستان مبارک

*اصفهان گودی

*آید همی بوی خوش امتحانات

☺ گفتگوی ویژه



صبح صادق نند، تاشب یلدا نرود





بسم الله الرحمن الرحيم

در تعلیم و تربیت کشور، علم سودمند، دانش سودمند باید تعقیب بشود. اینکه شما میگویید «آموزش و پرورش اصلاح باید گردد»، یکی از مواد مهم اصلاحی، همین است که دانشی که در اینجا تعلیم داده میشود، دانش سودمند باشد؛ این جوان بتواند از این دانش، برای بهبود زندگی خود و جامعه‌اش و پیرامونیان خود استفاده کند؛ علم نافع این است.



فصلنامه فرهنگی اجتماعی گردشگر

صاحب امتیاز: کانون گردشگری مرکز
شهید رجایی اصفهان
مدیر مسئول: زهره الله گانی
سر دبیر: مهدیه گنجی
هیئت تحریریه: سحر محمودی ،
مریم شاهمحمدی ، مریم خلیلی نژاد
، کبری حبیبی ، ریحانه حمیدی پور ،
زهره الله گانی، مهدیه گنجی
تایپ و ویراست: ملیکا دانش نژاد
طراحی و صفحه آرایی: مهدیه گنجی
با ما همراه باشید:

@gardeshgar_rajaei



فهرست

- ۳ سخن سر دبیر
- ۳ قدم زمستان مبارک
- ۴ اصفهان گردی
- ۵ تفریح زمستانی
- ۵ همدان
- ۶ آش بلگ
- ۷ گفت و گوی ویژه
- ۹ آید همی بوی خوش امتحانات
- ۹ خاطره ای برای پاییز
- ۹ کتابنامه



بسمه تعالی

یکی از دغدغه های انسان، شناخت محیط اطرافش است. این شناخت سبب زندگی بهتر انسان و سازگاری بیشتر با محیط می گردد. هنگامی که انسان بر چیزی دانش پیدا کند سعی در تسخیر و احاطه بر آن دارد. این تلاش در جهت بهبود زندگی است؛ تا انسان بتواند از زندگی استفاده ی بیشتر و بهتری کند.

گاه انسان برای صرف وقت و تفریح از این اطلاعات و شناخت استفاده می کند تا از زندگی روزمره خود را دور کند و آرامش روانی خود را باز یابد.

امید است با مطالعه ی مطالب پیش رو گامی در جهت شناخت محیط اطراف خود برداشته باشیم تا برای رسیدن به زندگی بهتر تلاش کنیم.

مهدیه گنجی سردبیر نشریه گردشگر

قدم زمستان مبارک

#کبری حبیبی

#دانشجوی دبیری ریاضی

میان سینه زخمی ژرف دارم

به دل ناگفته صد ها حرف دارم

زمستان در زمستان برف دارم

به روی پوستین سالخوردم

من عاشق زمستانم، فصل بی رنگ و ریا، مظلوم ترین فصل خدا *

به راستی چه کسی می تواند بگوید که زمستان زیبا نیست؟ آن هنگام که درختان لباس عریانی به تن می کنند و همه ی خیابان ها عروس می شوند؛ عروسی از جنس بلور. ابر ها گویی اشک شوق می ریزند و دانه های ظریف برف رقصان بر زمین می نشینند *

زمستان با تمام سردی و بی رنگی اش مهربان است؛ میوه های رنگینی دارند که سردی اش را شیرین می سازند. با آمدن یلداش خانواده ها دور هم جمع می شوند و به شاهنامه خوانی و خوردن یاقوت های انار مشغول می شوند. کسی چه می داند شاید این فصل سپیدی از فصل سربیزی که همه آن را به رخ زمستان می کشند مهربان تر باشد *

خدا زیباست... این را در دانه دانه های برف هم می توان دید. آن هنگام که از خواب برمی خیزی، پنجره را باز می کنی و با دنیایی از سپیدی روبرو می شوی. شب های طولانی زمستان دل ها را به هم نزدیک می کند *

گوش هایت را تیز کن و قصه های ننه سرما را گوش بده. زمستان نماد صبر و انتظار است؛ انتظار یک دانه در دل خاک سرد برای رویش و بالندگی. زمستان نماد محبت است؛ محبت زمین که دانه را سخاوتمندانه در خودش نگه داشته است *

کاش می شد زمستان را نگه داشت، در را به رویش قفل کرد تا نتواند این همه زیبایی را باخود ببرد اما دریغا که نمی توان کاری کرد... زندگی در حرکت است، با تمام خوشی ها... ناخوشی ها... سردی ها و سبزی ها *



اصفهان گردی

مریم شاهمحمدی
دانشجوی آموزش علوم تربیتی

محله ی بید آبادی

موقعیت مکانی: در شمال رودخانه کی زاینده رود، حداثه خیابان فروغی و مجد سید، خیابان ۵ رمضان و چهار باغ پایین.

آثار دیدنی و باستانی: مجد علی قلی آقا، حمام علی قلی آقا، بازارچه کی چهار سوق، جوی بابا حسن، بقعه کی شیخ ابو معود رازی، بازارچه کی بید آبادی، کاروانسرا و خانه کی بخری و... می باشد. علی قلی آقا از خواجگان معروف و نیکوکار دربار شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی است. قلی لقبی است که به برادران دو قلو داده می شود و برادر دوقلوی ایشان خرد قلی آقا می باشد. مجد علی قلی آقا دارای صحن کوچک و شبستان زیبایی است که با کاشی کاری های فیروزه ای، معماری سنتی و اصيل صفوی را نشان می دهد. سر در مجد کتیبه ای به خطاطی علی نقی امامی به زبان عربی، به رنگ قهوه ای و برجسته روی سنگ مرمر است. درب ورودی این مجد، درب چوبی و منبت کاری شده و بسیار زیباست.

حمام علی قلی آقا رویروی مجد قرار گرفته است. این حمام دارای ویژگی دوقلو بودن است. یعنی به طور هم زمان دارای دو بخش مردانه و زنانه بوده است؛ که هر کدام شامل بخش های ورودی سردینه، گرمخانه، خزین، چهار حوض، شاه نشین و... است.

این حمام در سال ۱۱۱۲ هجری قمری ساخته شده است. هم اکنون قسمت حمام مردانه کی آن برای بازدید عموم آماده است. در این حمام مراسم های سنتی اصفهان قبل از عروسی مثل: قرق کردن حمام برای عروسی یا داماد برگزار می شده است.

جوی بابا حسن شاخه ای از نهر فخران است؛ که از جلوی حمام و مجد عبور می کند. دورت دور این مادی درختان سر به فلک کشیده کی بید مجنون قرار گرفته است که هر یک از آن ها قصه های عاشقانه کی بسیاری از عشاق را روایت می کند.

بقعه کی شیخ ابو معود رازی: یکی از دانشمندان و محدثین معروف و بزرگ قرن ۳ هجری که در محلی که امروزه بقعه کی ابو معودیه نامیده می شود، قرار گرفته است. ایشان به هدایت و ارشاد مردم در این مکان می پرداختند.

در روزگار قدیم به نام خانقاه شیخ ابو معود مشهور بوده است. مورخین نوشته اند که محله کی شیخ ابو معودیه شامل بازار، خانقاه، حمام، باغ و چهار سو بوده است. اما در گذران تاریخ و بر اثر حوادث تخریب شده است و فقط اکنون سر در کتیبه ای زیبایی به خط ثلث با کاشی سفید معروف بر زمینه کی لاجوردی نوشته شده است، باقی مانده است.



مهدیه گنجی
دانشجوی دبیری زیست

تفریح زمستانی

کشور ایران سرزمین پهناوری است و هر گوشه از آن شرایط آب و هوایی مختلفی دارد. برخی مناطق دارای آب و هوای سرد و گوشه ای دیگر هوای بهاری دارد، گوشه ی دیگرش مردم از گرما زیر کولرهایشان جاجوش کرده اند. وجود دو رشته کوه البرز و زاگرس تاثیر بسزایی روی آب و هوای ایران دارد؛ قله های این رشته کوه ها که مرتفع هستند، برای تفریح زمستانی در سراسر سال پذیرای مردم هستند. پیست های اسکی ایران که کم هم نیستند فضای مناسبی برای تفریح در برف هستند. معروف ترین پیست ها که تقریباً همه ی ما نام یکی از آنها را حداقل یکبار شنیده ایم عبارتند از: توچال تهران، آبدلی تهران، شمشک تهران، دیزین کرج، پولادکف در شهر سپیدان و ...

اما اینبار به معرفی پیست اسکی فریدون شهر که مرتفع ترین پیست اسکی ایران است می پردازیم. این پیست که دارای اقامتگاه ویژه ی ورزشکاران، امکانات رفاهی و درمانی، سالن مجهز به سیستم گرمایشی، تل اسکی، پیست آموزشی مجزا و پارکینگی به گنجایش هزار و پانصد خودرو است، تنها پیست اسکی استاندارد در استان اصفهان است.

زمان بازدید از این پیست از پاییز تا اواخر فروردین است. این پیست هزینه ی ورود ندارد، ولی بنابر تفریحی که میخواهید انجام دهید هزینه ی متفاوتی دارد. استفاده از تیوپ بدون آموزش ممکن است صدمات جدی برای شما و عزیزانتان داشته باشد پس قبل از تیوپ سواری بهتر است آموزش ها ی لازم را ببیند تا تفریح خوب و خوشی داشته باشید.

# مریم خلیلی نژاد
دانشجوی آموزش علوم تربیتی

همدان

سلام به همکاران عزیز در شماره ی جدید نشریه ی گردشگری قصد دارم براتون از شهر همدان بگویم. همدان یا به گویش محلی همدان یکی از کلان شهر های ایران در منطقه ی غربی و کوهستانی ایران و مرکز شهرستان و استان همدان است. این شهر تحت نام های دیگری از قبیل هلمتانه، هلمتان، اکباتان، آمدانهو، آندان نیز نوشته شده است. گویش اکثریت مردم شهر همدان فارسی با لهجه ی همدانی است. در همدان اقلیتی از مردم ترک زبان نیز سکونت دارند. بیشتر ساکنان همدان ملمان هستند اما عده ای از آن ها میخی و یهودی نیز هستند. خوب اهل وقت این است که برویم سراغ صنایع دستی قشنگ این شهر که فرش بافی و چرم سازی می باشد. شهر همدان از جمله شهر های مهم تولید و صادر کننده ی چرم در ایران است. سابقه ی این صنعت در همدان چندان طولانی است که این شهر را "رباغخانه" نیز نامیده اند.

جاذبه های گردشگری و آثار تاریخی و چشم انداز های طبیعی استان همدان: آرامگاه بوعلی سینا، مجسمه شیر سنگی، جام زرین کشف شده در تپه ی هلمتانه، کتیبه های همپون گنج نامه، گنبد علویان، آرامگاه بابا طاهر، برج قربان.

چشم انداز های طبیعی: دره ی مراد بیک، دره ی عباس آباد، دره ی گنج نامه، دره ی امامزاده کوه و تله کابین گنج نامه.



خوب می‌رسیم به قسمت خوشمزه کی شهر همدان یعنی خوراکی ها و غذاهای محلی و سوغاتی های این شهر: همدان دیر ترشی ها و مربا های عجیب و غریب است. به علت کثرت انواع ترشی خود اهالی مثلی دارند " همدانیا میلیج (گنجشک) تو هوا می‌پره می گیرن مویکونن ترشی ". در حال حاضر بیش از صد نوع ترشی در همدان تهیه می‌شود. از جمله غذا های محلی این شهر: آبگوشت بزباش، آبگوشت کلم قمری، آش کاجی، سرداشی، آبگوشت یغنی، آش آبخوره، آبگوشت فلفل همدانی، مربای پوست هندوانه، مربای ترب سیاه، ترشی گُردو، خورش غوره بادمجان، آش میوه و... می باشد. سوغاتی های استان همدان شامل: کماج، انگشت پیچ، شیرمال، حلوا زرره می باشد. و اما آخرین نکته در مورد شهر همدان ظرف های سفالین هنرمندان لالچین یکی از محبوب ترین ره آورد های همدان است. همکاران عزیز بهتون پیشنهاد می‌کنم حتما همدان را برای مافرت انتخاب کنید.



#هره الله گانی
#دانشجوی دبیری شیمی

آش بلگ



آش محلی در یکی از شهرک های توابع استان چهارمحال و بختیاری می باشد. مواد لازم برای دو نفر:

ماش: نصف لیوان

آب: ۴ تا ۵ لیوان

کشک غلیظ: نصف لیوان

سبزی آش خرد شده و پخته: ۱ قاشق غذا خوری

در صورت تمایل پیاز و نعنای داغ: به میزان لازم

فلفل و نمک: به میزان لازم

طرز تهیه: ابتدا ماش ها را به همراه آب روی حرارت متوسط گذاشته تا کاملا پخته شوند. در فاصله ای که ماش ها پخته می شوند، رشته را درست می کنیم. آرد را در کف یک ظرف ریخته و سپس آب و نمک را وسط آرد می ریزیم.

ابتدا با چنگال آب و آرد را قاطی می کنیم و سپس خمیر را با وردنه روی یک سطح آرد پاشی شده پهن می کنیم تا ضخامت آن حدود ۲ میلی متر شود. روی خمیر را آرد می پاشیم و سپس تا می زنیم؛ باز هم روی خمیر، آرد می پاشیم و یک بار دیگر تا می زنیم. سپس خمیر تا زده را با چاقو به صورت رشته های باریک برش می زنیم. روی برش ها یک کیسه می کشیم و ۱۰ دقیقه استراحت می دهیم. کشک و سبزی را به ماش های پخته اضافه می کنیم و در ۱۰ دقیقه ی پخت آش، رشته ها را اضافه می کنیم. قبل از اضافه کردن رشته می توان برای تغییر رنگ و خوشمزه تر شدن آن، لبو را ابتدا پوست کنده و به تکه های کوچک یا به اصطلاح نگینی خرد کرده و به آن اضافه کرد. موقع سرو با پیاز و نعنای داغ تزیین می کنیم. می توانید به جای رشته، ۱ قاشق غذا خوری آرد در آش بریزید، البته اگر آرد را از قبل کمی تفت بدهید یا به اصطلاح آرد را بو بدهید بهتر می شود.

نوش جان





لطفا خودتان را کاملا معرفی بفرمایید و در مورد شغلتان برای ما توضیح بدهید؟

عرض سلام و ادب خدمت شما سید حسین ابطی هستم. لیدر طبیعت گردی و فرهنگی رسمی اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی استان اصفهان. در کنار همسرم، ایشون هم با لیسانس گردشگری (مدیریت جهان گردی) به عنوان زن و شوهر گردشگر در اصفهان در حال فعالیت هستیم. در زمینه ی ایران گردی و طبیعت گردی حدود ۴ سال است که داریم در این زمینه فعالیت میکنیم.

علت گرایش شما به این شغل جذاب چه بوده است؟

اول از همه عشق به این کار داشتیم؛ عشق به طبیعت گردی، عشق به ایران گردی و عشق به ایران شناسی. این که اول ایران خودم رو کامل بشناسم و بعد وارد کشور های دیگر بشوم و ایران خودم رو معرفی کنم. در تلاش بودم که ایران را در وهله ی اول خودم بشناسم و بعد به هم وطنان خودم معرفی کنم؛ که به جای سفر به کشور های خارجی و صرف هزینه های گزاف بتوانند اول زیبایی های منحصر به فرد ایران را ببینند.

ایران پتانسیل بسیار زیادی در زمینه ی طبیعت گردی و آثار باستانی دارد و به گونه ای است که جزو ۱۰ کشور اول جهان می باشد. اما زیر ساخت ها و امکانات گردشگری و نحوه ی مدیریت گردشگری باعث شده است که ما به این جایگاه نرسیم و نتوانیم از گردشگری خودمان در دنیا استفاده کنیم و بالاتر از صنعت نفت می توانیم درآمد زایی کنیم.

اگر کسی تمایل به حضور در این شغل داشته باشد چه مراحل را باید طی کند؟

این شغل در ظاهر بسیار شغل جذاب و لذت بخشی است. ولی وقتی کسی وارد این شغل میشود، متوجه می شود که دقیقا آنطور که فکر می کرده نیست. من هم دقیقا فکر میکردم که این شغل هم فال است و هم تماشا! این شغل بسیار پر استرس است و فردی که وارد این کار می شود باید بسیار مسئولیت پذیر باشد و همچنین فعالیت فیزیکی بالایی داشته باشد. عزیزی که می خواهند وارد این شغل بشوند باید خیلی توانایی ها رو داشته باشند از جمله صبر و تحمل بالا، شکیبایی، ارتباط با افراد گوناگون، افرادی که شاید از افراد عادی جامعه نباشند و در برخورد با آن ها باید تحمل و مدیریت کنیم. باید مجری و سرگرم کننده ی خوبی باشیم چون مردمی که با شما تور می آیند، انتظار دارند که اوقات خوبی را در کنار شما سپری کنند و به آنها خوش بگذرد.

بنابراین مجموعه ای از توانایی ها باید درون یک لیدر باشد تا بتواند یک تور را مدیریت کند. باید این توانایی ها را در خود ببینند و با چند تا تور مسافرت کنند و کنار لیدر قرار بگیرند و با مشکلات روبرو بشوند؛ و خودشان را محک بزنند و ببینند از عهده ی این کار می تواند بر بیایند یا نه.

این کار مشکلات خودش را هم دارد؛ مثلا اینکه این شغل بیمه ندارد و کار محسوب نمی شود و هنوز اداره ی کار لیدری را شغل محسوب نکرده و هنوز برایش بیمه تعیین نکرده است. نمی شود روی درآمد خاصی حساب کرد. ممکن است یک ماه کار داشته باشی و ممکن است یک ماه کار نداشته باشی. این معضلاتش باعث شده که خیلی ها هنوز از این کار استقبال نکنند و شاید گردشگری هنوز رونق پیدا

نکرده آن طور که ازش انتظار داریم.

برای کسانی که می خواهند وارد این کار بشوند باید دوره هایی را که اداره کل میراث فرهنگی توسط آموزشگاه ها برگزار می کند شرکت کنند و حداقل ۱ سال طول می کشد و حدود ۵ روز کلاس در هفته برگزار می شود، صبح تا ظهر یا بعد از ظهر تا شب. در کل افرادی که می خواهند وارد این کار بشوند باید تا حدودی وقت خالی داشته باشند و برای عزیزان کارمند یکم دشوار است و وقت آزاد زیادی می خواهد و امتحانات زیادی دارد، از آزمون های داخلی و آزمون های جامع گرفته تا مصاحبه ی زبان های خارجه، که آن هم پروسه ی خاص خودش را دارد. امتحان آنلاین و شفاهی و کتبی هم دارد.

در این شغل حرف اول را تجربه می زند و اگر شما تجربه ی کافی داشته باشید خیلی از مشکلاتتون حل می شود و این مستلزم این است که عزیزان توره های زیادی شرکت کنند و با مشکلات آن کار در کنار لیدر آشنا بشوند و بعد از این سفر ها و ایران گردی و جهان گردی های خودشان را آغاز کنند.

این شغل برای شما چه درگیری هایی در خانواده تان ایجاد کرده است؟

بیشتر کار ها برای طبیعت گردی و ایران گردی برای ایرانی ها روز های تعطیل مثل پنجشنبه و جمعه هست و شما نمی توانید در کنار خانواده باشید، ولی من چون در تورها همیشه همسرم کنارم هست و کمک حالم بوده در همه ی موارد؛ و به عنوان زن و شوهر گردشگر داریم فعالیت می کنیم و خانواده ها رو به خودمان جذب کردیم شاید این قضیه کمتر محسوس شده باشد. به هر حال روز های تعطیل دور از خانواده هستیم ولی حسنش برای من این است که در همان روز های تعطیل در کنار همسرم و مردم خوب هستم.

متصدای گردشگری شما معمولا کجاست؟

من نمی توانم بگویم کدام استان جذاب تر است چون ایران واقعا زیباست. من به چیز را خدمتان بگویم اینکه مردم ما فکر می کنند استان یزد یا استان کرمان یک کویر خشک و بی آب و علف است در صورتی که استان کرمان ارتفاعات کوه های آن از اصفهان بیشتر است، آبشار هایی که دارد بسیار زیباست و کوه هایی که دارد اینقدر مرتفع است که شاید بگویم تا اواخر فروردین مملو از برف است. بنابراین مردم ما با تصوراتشان زندگی می کنند و فکر می کنند که جاذبه ها در همین حد



است. به خاطر همین است که ما وارد همین عرصه شدیم تا بگوییم جاذبه های هر استانی اینقدر زیاد است که نمی شود بگوییم این استان فقط همین را دارد. من حتی به چرت می توانم بگویم که بیشتر استان های کشور دو فصل، سه فصل یا حتی چهار فصل دارد مثلا شما در سیستان و بلوچستان می توانید بهار، تابستان، پاییز و زمستان در آن واحد به عینہ ببینید.

کار گروهی چه نقشی در کار شما داشته است؟

کار گروهی در تور حرف اول را می زند، تور باید کار گروهی باشد یعنی توری که کار گروهی در آن نباشد اصلا موفق نمی شود. وقتی که یک گروهی باهم تور می روند حداقل کاری که مسافر می کند همکاری و همیاری با لیدر تور است؛ از طرفی دیگر هم اگر خانم در تور همراه و کمک حال من نبود چه در بحث تدارکات و چه در بحث مدیریت و ثبت نام ها و خیلی از موارد دیگر قطعاً ما دچار مشکل می شدیم، بنابراین کار گروهی در تور بسیار مهم است و موفقیت را به ارمغان می آورد.

گرفتن مجوز رسمی لیدرینگ چه مراحل دارد؟ چه آزمون ها و مهارت هایی را در برمیگیرد؟

برای گرفتن کارت هم حدود ۶ ماه تا یک سال زمان می برد. کلاً برای گرفتن همه ی شرایط و قبولی در همه ی آزمون ها حدود یک سال و نیم تا دو سال طول می کشد. از شرایط آن حداقل داشتن ۲۵ سال سن، داشتن لیسانس، کارت معافیت سربازی برای آقایان، قبولی در آزمون ها و مصاحبه و دیگر شرایط موجود در آیین نامه ی گردشگری میباشد. و دارای هزینه ی آموزشگاه که هر سال هزینه های آموزشگاه ها متفاوت میشود، هزینه های کتاب ها، اردوهای عملی می باشد که عزیزان اگر مقدار پس اندازی که گفتم را داشته باشند این مراحل انجام می شود. عزیزانی که می خواهند وارد طبیعت گردی بشوند باید از لحاظ فیزیکی بدن حتماً یک بدن متناسب، خوش اندام و ورزشکاری را داشته باشند یعنی تناسب اندام داشته باشند. روحیه ی بالا و بانشاط و نیز بدن سالم و ورزشیده نیز داشته باشند چون فعالیت فیزیکی در این کار بسیار زیاد است. کارهایی که باید انجام بدهید از صبحانه گرفتن و مواردی دیگر فعالیت فیزیکی بسیار زیادی دارد و موجب می شود که کمر درد داشته باشید. استرس این کار نیز ممکن است بیماری هایی همراه خودش بیاورد و بدون تعارف خدمت شما می گویم که این شغل، این موارد را همراه خودش دارد.

شرایط اقتصادی کنونی جامعه چه تأثیری را روی کار شما گذاشته است؟ آیا کیفیت کارتون کاهش پیدا کرده است؟

قطعاً شرایط اقتصادی روی این کار تأثیر دارد. مردم اولویت اولشان غذا است، بعد از غذا تفریح است؛ یعنی اولویت اول مردم در خرید و خرج کردن و اقتصاد جامعه خوراک آن هاست. بعد از اینکه خوراک مردم تأمین شد بحث تفریح آن هاست.

الان شما ببینید که چقدر سفرهای خارجی کمتر شده و با توجه به بالا رفتن قیمت ارز و از طرف دیگر وقتی قدرت خرید مردم پایین بیاید آن ها تفریح و تور را هم کمتر انتخاب می کنند. بدون شک بی تأثیر نبوده اما خدارو شکر ما هنوز در این عرصه داریم فعالیت می کنیم و مردم عزیز و خانواده ها به ما لطف دارند و همراه ما می آیند.

کیفیت کار ما با این وضعیت اقتصادی اصلاً کم نشده بلکه بیشتر هم شده ولی سود کار ما نسبت به پارسال و حتی نسبت به سال ۹۶ بسیار کم شده است و باتوجه به هزینه ها و مخارجی که الان هست به صرفه نیست.

متأسفانه اصفهان بر خلاف استان های دیگر کشور تور های طبیعت گردی و ایران گردی که برگزار می کند از کمترین قیمت برخوردار است بنابراین حاشیه ی سود و درآمد در طبیعت گردی و ایران گردی در اصفهان بسیار کم است و یک مشکل دیگر که هست روند قانونی مجوز و تور طبیعت گردی و ایران گردی در اصفهان هم با استان های دیگر متفاوت است و بسیار سخت گیرانه پیگیری می شود و مشکلات بسیار زیادی دارد؛ که باید این ها با همکاری مسئولین و جامعه ی راهنمایان گردشگری و انجمن آژانس ها باید این معضل حل بشود و بتوانند در روند طبیعت گردی و ایران گردی اصفهان تسهیل ببخشند.

به نظر شما چرا مردم سفر با تور را به سفر با وسایل نقلیه ی شخصی ترجیح می دهند؟

شما فرض کنید با ماشین شخصی بخواهید سفر بروید و تفاوتش با تور چیست؟ کسی که بخواهد با ماشین شخصی سفر کند خدمتتان عرض کنم که اولین نکته اصطلاحاً ماشین، خستگی راننده و جرایم راهنمایی و رانندگی ببینید این ها را هیچ وقت خیلی از مردم حساب نمی کنند و می گویند فقط یک هزینه ی بنزین هست که لیتری هزار تومان می باشد و هرکجا خواستیم می رویم و هرکاری خواستیم می کنیم و الی آخر. تک تک افراد در تور بیمه ی مسئولیت مدنی می شوند ولی داخل سفر شخصی اگر خدایی نکرده برای شما اتفاقی بیفتد بیمه نیستید؛ محاسن بسیار زیادی دارد یکی اینکه افرادی که خودشان سفر می روند ممکن است سفر آن ها برنامه ریزی شده نباشد حتی ممکن است فقط دو بازدید در روز داشته باشند و نمی دانند کدام رستوران و هتل بهتر است، توضیحات تاریخی و طبیعت گردی آن را نمی دانند و از همه ی این ها محروم هستند اما در تور ما تمام برنامه ها و همه ی جاذبه ها برنامه ریزی شده و سروقت می باشند و در کمترین زمان بیشترین استفاده را می برید.

با تور بهترین رستوران ها می روید، با توجه به هزینه ای که می شود هتل و اقامت خوب گرفته می شود. نداشتن خستگی رانندگی و خیلی از مواردی را که گفتم ندارید. یکی از محاسن بسیار بزرگی که وجود دارد این است که خانواده ها با یکدیگر آشنا می شوند و ارتباط اجتماعی ایجاد می شود.

چو جمع مردم اصولاً توی سفر ها چگونه است؟

خانواده هایی که شرکت می کنند؛ دوست دارند که در تور به آن ها خوش بگذرد و بازی های گروهی و شادی هایی که دارند؛ دوست دارند تور برای آن ها خاطره انگیز و بیادماندنی باشد و اینقدر به آن ها خوش بگذرد که لحظه شماری کنند برای اینکه دوباره دور هم جمع بشوند و از اینکه در کنار هم هستند لذت ببرند و در کنار هم بتوانند از طبیعت و جاذبه های تاریخی و فرهنگی استفاده کنند.

ممنون از شما، امیدوارم صحبت هایم برای شما مفید باشد و امیدوارم که طبیعت گردی و ایران گردی در ایران روز به روز رونق داشته باشد و مسئولین زیر ساخت ها را برای بوم گردی و طبیعت گردی و ایران گردی فراهم کنند و آینده ی گردشگری در ایران بهتر شود.



آید همی بوی خوش امتحانات

روز ها شب می شد و شب ها روز می شد و ما هرچه به پایان خوش ترم! نزدیک تر می شدیم هرروز نگاهی اسف بار و گذرا به کتاب هایمان می کردیم و هی عبور و هی عبور!!..... از ترم بعد قول می دهم درس بخوانم (وی به حجم انبوه کتاب (و مطالب نگاهی می اندازد و زیر لب با خود زمزمه می کند البته که خدا همیشه حواسش هست به ما دانشجوهای شب امتحانی... و حال دیگر نمیدانم امدادهای غیبی، و حی یا جی؟؟/؛ بالاخره از قدیم ندیم ها گفته اند خدا بزرگ است. از همه این ها که بگذریم نگویم برایتان از شب های امتحان که خوابگاهمان عجب شلوغ می شود و هرفردی کنج عزلت گزیده، در گوشه ای خزیده و برخی هم گروهی کار را پیش می برند... یک سالن بالا بلندی داریم که به خودی خود هم سالن است و هم سالن است از نوع مطالعه اش!!! هم اتاق تلفن است.. هم محل گردهمایی دانشجویان خوش صحبت.. هم اتاق کامپیوتر و هم اتاق تلویزیون!! که ما تابه حال ندیده ایم کانال هایش چه رنگی است؟؟ حال این که ما از دیدن رنگ های تلویزیون ذوقناک نگشته ایم آن هم در ایام امتحانات به خودی خود بد نیست.. باشد یک اهرمی که هلمان دهد به امتحان و درس و نمره و استاد و... باشد که رستگار شویم. شب های امتحان در سالن مذکور جای سوزن انداختن نیست. از اولین امتحان با تعدادی خود کار چند رنگ و مداد و پاک کن و و دفتر؛ خیلی دانشجو طوری!!! می آیی می نشینی و درس میخوانی... آخر امتحانات هم خودت می مانی و یک فلاکس جای پراز ویتامین کافین!!! و... و... و...

سالن امتحانات هم که نداریم.. خدا را شکر و همین جاست که میگوییم خدایا شکر که سالن امتحانات نداریم و خیلی جو امتحانات درمان رخ نمی نماید و باجو سلف و سروصدای قاشق و چنگال و سیخ و قابلمه و ملاقه و... امتحان را پیش می بریم و استاد که هیچ... خودمان هم نمی فهمیم چه می نویسیم /:

با وجود تمام این مشکلات و کم و کاستی ها (که حسنات دانشگاه به آنان چربیده)... ولی در نهایت این ها همه کوله باری از خاطرات است که درو می کنیم، و قدر میدانیم لحظات خوشمان را.. مسئولان که فکری به حال ما نکردند چشم امید داریم که خداوند مشکلات جوانان را حل نماید. و در پایان بگویم چون شغل شریف معلمی را با علاقه برگزیده ایم، نسبت به مشکلات این دانشگاه حساس بوده و احساس مسئولیت می کنیم.

... و من الله توفیق

#ریحانه حمیدی پور
#دانشجوی دبیری شیمی

#سحر محمودی
#دانشجوی دبیری زیست

خاطره ای برای پاییز

با صدای مشتری دل از دنیای خیال و موسیقی کند و به کتاب فروشی برگشت. دختری او را صدا میزد با صورتی گرد و زیبا، چشمانی قهوه ای و گیسو، لبخندی به سرخی انار و بلندی شب یلدا و موهای فرخورده ای که از گوشه و کنار مقنعه اش راهی برای فرار پیدا کرده بودند. از دیدن او ناخودگاه لبخندی بر لبانش نقش بست، در چشمانش غرق شده بود؛ چشمانش او را یاد مادرش می انداخت.

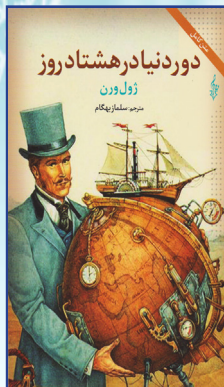
آقا... آقا!!!

-ببخشید، بفرمایید در خدمتم
-نمی تونم کتاب های شاملو را پیدا کنم
-اجازه بدهید راهنمایی تون کنم
در بین قفسه های کتاب با شعر هم قدم شد. غزل موهایش او را در بند کشید و قصیده چشمانش دست در گردن عقلش شانه به شانه هم قدم میزدند.

بعد از آن روز زیبایی پاییزی؛ ماهور گاهی به کتاب فروشی سر میزد و باهم در دنیای ادبیات غرق می شدند.
خاطره هایی را در ذهنش پیدا کرد که مدت ها بود اجازه خود نمایی به آن ها نمی داد. هنوز هم صدای دلنشینی را وقتی با شور و شوق برایش از اتفاقات روزمره زندگی یا آرزوهایش برای آینده می گفت را به یاد دارد.
خاطره ها زنده شده بودند و در جای جای انباری غبار گرفته به رقص در آمده بودند، سرش را به دیوار تکیه و به اشک هایش اجازه جاری شدن داد. یکی از نامه ها را برداشت؛ گیرنده نامه: «غریبه ی آشنا بود»
سلام آشنای قلب من ((

و این داستان ادامه دارد...

دور دنیا در هشتاد روز

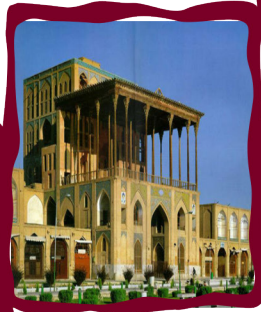


ژول ورن نویسنده و آینده نگر فرانسوی بود که کتاب های زیادی با مضمون علمی-تخیلی نوشت. او هنگامی از سفر به هوا و فضا و زیر دریا در داستان های خود سخن گفت که هنوز بشر نتوانسته بود وسایل و امکانات چنین سفرهایی را

فراهم می کند. بسیاری او را رمان نویسی پیشگو می دانند که بعد ها بسیاری از تخیلات او تبدیل به پروژه علمی شد. کتاب دور دنیا در هشتاد روز داستان یک مرد انگلیسی به نام فیلیس فاگ می باشد که انسان کاملاً عجیبی است؛ او در یک شرط بندی حاضر می شود که کل دنیا را به همراه خدمتکار خود پاسپارتو در ۸۰ روز طی میکند و در این سفر اتفاقاتی می افتد که داستان رمان را می سازد.

#سحر محمودی

#دانشجوی دبیری زیست



اصفهان

شهر زیبا / خدایا

